

## بلوای میانه

### جیل الطارق کلید مدیترانه

سرعت عمل موانع را از پیش پای مسلمین برداشت نیروی آزادی بخش بحرکت آمده و بسرکردگی طارق کلید مدیترانه را بتصرف آورده و بسوی قاره ای که در انتهای بدبختی بسر میبرد قدم نهادند .

در آنروز بر افکار اروپائی عقاید شوم کلیسا سایه افکنده بود و اثری از آثار اعتلای انسانیت مشاهده نمی شد ، بردگی ، بخشیدن گنا ان ، خدمت سلاطین ، شرک و جور بهمه جا سرایت کرده و تقسیم کنندگان بهشت و دوزخ بر مقدرات ملیونها اسیر و تیره روز حکمفرمایی می کردند . درست در همین موقع بود که آهنگ نجات اروپا نواخته شد و تمدن و بشر دوستی در سر زمین خموشان رخنه کرد .

علوم و فنون چون سیلی بیفیان کن اساس جهل و جهود را متزلزل نمود و از این تاریخ به بعد با قرار دوست و دشمن علوم اکتشافی بوسیله مسلمین گسه از ۷۰ رشته ابتکاری متجاوز گردید وارد اروپا شد .

تمدنی مشتمل بر آثار همه جانبه ، مبتنی بر منشآت ابداعی و خلاقه ملت اسلام و جهان بینی مکتب تحقیقی ما .  
تمدنی که متون صحیح اعلامیه حقیقی حقوق بشری را در سراسر جهان اشاعه داد و قوای پراکنده انسانی را در راه تکامل بکار انداخت .

### تونس ، مراکش ، الجزیره

مراکش در اوایل قرن ۲۰ از سال ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۴ در اثر حسن تدبیر ملائی حسن با وجود رقابت دول بزرگ یعنی پرچمداران استعمار و مسیبن جنگ های جهانی و خانمان بر انداز ، استقلال خود را حفظ کرد و از عملیات توسعه طلبی آنان جلوگیری بعمل آورد .

در ۱۸۷۷ ملائی حسن بیمار گردید ، دشمنان از موقعیت استفاده کرده و جهازات متعدد به طنجه فرستادند و فقط دولت انگلستان بود که بعلمت خرابی اوضاع

داخله و سرگرمی اصلاحات در این ماجرا شرکت نکرد.

وروی همین عدم مداخله این دولت آشوب طلب، اوضاع بهم نخورد و دول دیگر نتوانستند نظریات سوء خود را اعمال نمایند.

### نفوذ انگلستان و فرانسه در مراکش

سلطان مراکش بتصور آنکه دولت انگلستان باعث جلوگیری مداخلات دول دیگر شده در ۱۸۹۲ از عمل این دولت سپاسگزاری نمود، ولی انگلستان از این حسن استقبال یک ملت آرام بلافاصله سوء استفاده کرده و امتیازاتی بدست آورد. فرانسویها در مقابل امتیازات گمرکی و سرحدی کسب کردند و چون در اینوقت ملایمی حسن فوت و دولت ضعیف شده بود و عبدالعزیز جانشین وی مردی عیاش و ولخرج بود قبائل حساس و آزادبخواه قیام کرده و علم ظنیان برافراشتند. دولت فرانسه با معاهده قبلی که برای جلوگیری از راهرنان سرحدی منعقد کرده و خط سرحدی در آن کاملاً پیش یبنی نگردیده بود و مخصوصاً با مقاومت شدید منفی مسلمین از پیشرفت باز مانده و چیزی نمانده بود مواضع متصرفی را از دست بدهد چاره جز آن ندید که ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۱ مناطق بزرگی را در سرحدات مراکش اشغال نظامی نماید!

و برای جلوگیری از اعتراضات و قیام مردم سلطان نا صالح پیشنهاد کمک برای خواباندن شورش قبائل را نمود، تا بدینوسیله از طرفی مناطق متصرفی را تثبیت و از طرف دیگر بتوان خواباندن شورش امکانات اعمال نفوذ بیشتری را حاصل نماید.

در سالهای ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ دو قرار داد موافقت با عملیات فرانسه بسته شد و در مقابل بعثت خرابی اوضاع مالی مراکش دولت فرانسه مجبور بکمک مالی بدین دولت گردید و برای آنکه از طرف رقبا آسوده خاطر شود از دولتین انگلستان و ایتالیا تقاضا نمود بدون آنکه این نفوذ صلح طلبانه جنبه حمایتی داشته باشد توافق نمایند تا امور داخلی مراکش اصلاح شود!

### مداخله اسپانیایی

تنها رقیب فرانسه دولت اسپانیایی بود که مخالف مداخلات این دولت در امور مراکش بود و علت آنهم یکی استقرار نفوذ خود بجای فرانسه بجهت نزدیکی با مراکش بود و دیگر آنکه انگلستان برای سرگرم کردن فرانسه با اوضاع مراکش و انحراف نظر وی از مصر و همچنین منحرف نمودن اسپانیایی از جبل الطارق او را تشویق بمداخله در امور مراکش کرده و این آتش را دامن میزد تا بالاخره در ۱۹۰۴ موافقت نامه ای امضاء و قرار شد منافع اسپانیایی را هم دولتین فرانسه و انگلستان در نظر گیرند.

طرح تقسیم مراکش بین اسپانیایی، انگلیسی، فرانسه

در موافقت نامه ۱۹۰۴ دو ماده مخفی وجود داشت مشعر براینکه اولاد

## گنج شایگمان ————— بلوک میانه

صورت از بین رفتن استقلال، مراکش تقسیم شود و ثانیاً دولت اسپانیا حق واگذاری سهم خود را بدولت دیگر نداشته باشد.

مذاکرات فرانسه و اسپانی از سال ۱۹۰۲ شروع شده بود منطقه وسیعی هم برای اسپانی در نظر گرفته شد ولی دولت اسپانیا جرأت امضاء آنرا بملت مخالفت انگلستان نداشت! و هم خود را ذیحق در اشغال کلید مراکش میدانست و روی این جهت مذاکرات بطول انجامید

باید دانست موقعی دولت فرانسه حاضر بانجام چنین معامله ای بود که با رقیب خود در مصر معارضه نموده و نظریات خود را در توسعه متصرفات تأمین نماید و پس از موافقت دولتین انگلیس و فرانسه در بازگذااردن دست یکی در مصر و دیگری در مراکش هیچوقت حاضر بقبول اجرای پیمان ۱۹۰۲ با اسپانی نگردید تا اینکه در پیمان ثانوی ۱۹۰۴ اسپانی تسلیم نظریات فرانسه و فرانسه هم شروع بمداخله برای تصرف ممالک شمالی افریقا نمود.

اولین قدم گرفتن امتیاز کمراکات بود که باعث سوء ظن مراکش شد و کم کم از عملیات مشکوک فر نسه مطلع شد و بلافاصله بعنوان آنکه بودجه دولت مراکش نمی تواند حقوق مستشاران فرانسوی را تأمین نماید آنانرا اخراج نمود.

### مداخله آلمان و اعتراض وی

دولت آلمان از نزدیکی فرانسه و انگلستان و توافق آنان در مسئله مصر و مراکش دلگیر شده و دولت اسپانی را هم بسهم خود ناراضی کرد و چون ازمقاد قرارداد ۱۹۰۴ اطلاع حاصل کرده بود.

مقاد آنرا بسلطان مراکش اطلاع داد و اعلام داشت حاضر است برای استیفای حقوق مراکش بآن دولت کمک نماید.

ولذا عدم اطلاع قبلی از قرارداد ۱۹۰۵ را دولتین آلمان و مراکش بهانه قرار داده و متفقاً بر تصمیم سه دولت مشترك المنافع اعتراض کردند اما دلکاسه وزیر خارجه فرانسه اعلام داشت دولت آلمان با وجود اطلاع از قرارداد فرانسه مخالفتی ننموده و میتوان گفت قرار داد را قبول کرده است و بسلطان مراکش هم اطلاع داد که هیچ تغییری در وضع مراکش داده نخواهد شد!

### مسافرت ویلهلم به طنجه

اطلاع سلطان مراکش ازدو ماده مخفی قرارداد، اظهارات دولت فرانسه را بی تأثیر نموده بود.

در ۱۹۰۵ ویلهلم بطور غیر مترقبه در طنجه پیاده شد و رسماً به عمومی سلطان گفت با تمام قوا از سلطان پشتیبانی و باو کمک خواهد نمود و چون متحد دیگر فرانسه یعنی روسیه در ۱۹۰۵ گرفتار تشنجات داخلی بود خورده گیری از فرانسه را دولت آلمان دامنه دار نمود و بوسیله سفیر خود سلطان مراکش را وادار